**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**بحث: زکات**

**14010810**

**متن خام**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و لعن علی اعدائهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدین.

بحث ما در این بود که در مورد روایت زراره این روایت در نقل نسخ موجود عبد الله بن بکیر عن زرارة بود ولی در نقل صاحب وسائل و وافی به جای عن زراره، عمن رواه هست. آقای هاشمی تعبیر کردند که ما چون مرحوم صاحب وسائل و مرحوم فیض کاشانی طریق دارند به کتب اربعه ما این طریق حجت تعبدیه هست و ما در مورد عن زراره آن را اعتبار می‌بخشیم، ولی نسخ موجود اینها حجیتشان بازگشت به عصیان می‌کند و در این جزئیات این موارد اختلاف اطمینان حاصل نمی‌شود پس بنابراین حجیت ندارد. آن که حجیت نداشت به حجت تعبدیه بحث زراره مصداق آن هست مراجعه می‌کنیم. ما عرض کردیم که این که صاحب وسائل طریق دارد یا صاحب وافی طریق دارد معنایش طریق به نسخه نیست. این طریق‌ها، طریق‌هایی است که به اجازۀ بدون مناوله صورت می‌گرفته. ببینید گاهی اوقات اصلاً نحوۀ اجازه به شکل است؟ الآن اجازه‌ای که همین الآن داده می‌شود عین همین اجازه‌ای هست که در زمان شیخ حر داده می‌شده. استاد به شاگرد اجازه می‌دهد، می‌گوید من جمیع روایاتی که تحمل کردم این روایت را به شما اجازه می‌دهم که از من نقل کنید. یک نسخۀ خاصی، یک کتاب خاصی را در اختیار طرف نمی‌گذارد. به صورت عام می‌گوید همۀ روایات خودم را اجازه می‌دهم که از من نقل کنید. این که این روایت، روایت استاد باشد به وسیلۀ شاگرد تشخیص داده می‌شود و بعد از این که آن تشخیص داد می‌تواند از استاد این مطلب را نقل کند. در جلسۀ قبل یک اشاره‌ای کردم ولی کامل نگفتم. صاحب معالم در مقدمۀ منتهی اشاره به این می‌کند که از طرق تحمل حدیث تنها اجازه باقی مانده است. این طرق سماع و قرائت و امثال اینها که طرق بالاتری هستند اینها الآن نیست، یعنی اینجور نیست که یک نسخه را اینها سماع کنند، یک نسخه‌ای که یداً بید در اختیار مشایخ قرار گرفته باشد این شکلی نیست. ایشان می‌گوید تنها آن چیزی که باقی مانده اجازه است. مرحوم آقا حسین خوانساری، اینها همه قبل از مرحوم صاحب وسائل هستند. آقا حسین خوانساری تقریباً با صاحب وسائل متقارب هست. مرحوم آقا حسین خوانساری تعبیر می‌کند که من به شما اجازه می‌دهم در حالی که نمی‌دانم اصلاً این اجازه فایده‌ای دارد یا فایده‌ای ندارد. این علتش همین هست که این اجازات جنبه‌های تشریفاتی داشته و اینکه این اجازه چه تأثیری داشته باشد در اعتبار نسخه. چون عرض کردم اجازه بدون مناوله نسخه صورت می‌گیرد یک، دو اگر مناولۀ نسخه‌ای هم در کار باشد اجازه منحصر به نسخۀ مناوله شده نیست. یعنی فرض کنید یک نسخه را اجازه می‌داده یک کتابی را در اختیار طرف قرار می‌داده، اجازه‌اش عام‌تر از آن است. اجازۀ عامی هست. مثلاً فرض کن در همان دیروز جلسۀ قبل عرض کردم ابن داود قمی به ابن سُمَیْهْ اجازه‌ای که می‌دهد می‌گوید این نسخۀ مزارم را و جمیع مصنفاتی و روایاتی، اینها را به شما نقل می‌کنم، ما لم یقع فیها خلط او تدلیس، حالا آن عبارتش را دقیق یادم نیست، به شما اجازه می‌دهم. یا همان اجازه‌ای که مرحوم ابن ابی عمیر به دو تا از شاگردهایش می‌دهد آن ممکن است اجازه‌اش یک مناوله‌ای هم صورت بگیرد، ولی این اجازه انحصار به آن موارد مناوله شده ندارد. می‌گوید جمیع روایات من قبل دفن کتبه و بعد دفن کتبه. خب قبل دفن کتب که آن روایات را نمی‌شود مناوله کرد. حالا بعد از دفن کتب بگوییم مثلاً یک نسخه یکی از کتاب‌هایش را این عبارت را در آنجا مثلاً نوشته بوده. و این هم دو نکته.

نکتۀ سوم حتی اگر نسبت به، یک نسخۀ خاصی، این نسخه را هم بدهند این معنایش این نیست شهادت به این نیست که من این نسخه را تک تک مواردش را خودم قرائت کردم، سماع کردم امثال اینها. یک تأیید اجمالی نسخه است نه تأیید تفصیلی تک تک موارد. بنابراین این که نمی‌دانم صاحب وسائل طریق دارد، طریق ندارد این اصلاً به جا نیست. علاوه بر این‌که همین طریق‌هایی که صاحب وسائل دارند، خیلی از ماها هم داریم. مثلاً بزرگان که اجازه می‌دادند و همان اجازات هم داریم در خیلی تفاوتی بین ما و آنها نیست. البته من خودم دنبالش نرفتم چون اجازه نگرفتم ولی خیلی‌ها هستند از این اجازات دارند، اجازات تشریفاتی است. این یک نکته.

نکتۀ دیگری حاج آقا در بحث لا ضرر می‌فرمودند. لا ضرر یک سری اسناد مختلف دارد، بعضی از اسناد لا ضرر معتبر است، بعضی از اسناد لا ضرر معتبر نیست. تفاوت متنی اینها گاهی اوقات تفاوت‌های ناچیزی است. تفاوت‌هایی است که انگیزۀ عقلایی نوعیه بر جعلش وجود ندارد، فرض کنید یکی‌اش هست لا ضرر و لا ضرار خالی، یکی هست لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. این که بخواهند یک سری اسلام را تعمداً اضافه کنند این انگیزۀ نوعیه برای همچین جعلی وجود ندارد. حاج آقا می‌فرمودند در جایی که اصل روایت با طرق معتبر اثبات بشود در آن روایت در این جزئیات اصالة عدم الخطاء درش جاری هست. یعنی فرق بین شخص ثقه و شخص غیر ثقه در اجرای اصالت عدم خطا نیست. اصالت عدم خطا به جهت وثاقت راوی به آن معنا به معنای وثاقت راوی نیست. حالا این را من الآن فرصت نیست جلسۀ بعد توضیح می‌دهم، ببینید راوی گاهی اوقات به دلیل، راوی ثقه و غیر ثقه یک تفاوتی دارد که راوی ثقه گاهی اوقات عمداً، یعنی عمداً راوی ثقه عبارتی را جعل نمی‌کند ولو تعبداً و این شارع مقدس احتمال جعل عمدی راوی ثقه را ملغی کرده، این یک.

نکتۀ دوم این که راوی ثقه مقید است، سهوهایی که ناشی از اهمال و کوتاهی و مسامحه در نقل هست اینها از راوی ثقه سر نمی‌زند، لا اقل شارع مقدس با ادلۀ حجیت خبر این احتمالات را ملغی کرده. حالا اگر در جایی این احتمالات ما بفهمیم حتماً نیست. به جهت این که این نقل با نقل دیگران کاملاً یکسان هست، تفاوت‌هایی که هست این تفاوت‌ها، تفاوت‌هایی نیست که بازگشت بکند به مسامحه، بازگشت بکند به تعمد کذب امثال اینها. اینجاها آن به نظر می‌رسد که آن نقل معتبر هم معتبر باشد و معارضه کند. حاج آقا در بحث لا ضرر همین را می‌فرمودند، می‌گویند این که ما در بعضی نقل‌ها لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام دارد در بعضی نقل‌ها فی الاسلام ندارد این اینجور نیست که باید بگوییم نقل معتبر حجت هست، نقل غیر معتبر حجت نیست. نه حتی آن نقل غیر معتبر هم که از جهت سند ذاتاً معتبر نیست اینجا معتبر است. و اینها با همدیگر تعارض می‌کنند. حالا این مطلب دومی که اینجا عرض کردم این نیازمند به یک مکملی هست که آن مکمل را ان شاء الله من در جلسۀ بعد عرض می‌کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان